

Developments in Military Law Affected by the Charter of Civil Rights

Mohammad Hossein Amiri¹, Mohammad Barani², Shardad Darabi³

Received: 22, August, 2020

Accepted: 10, December, 2020

Abstract

Background and objective: Military law is one of the most important and controversial trends in the field of criminal law compared to the teachings of civil rights. When military criminal law faces the new teachings of civil law, many differences and commonalities emerge between the two areas, which are scientifically important to address. Since judicial officers, especially I. R. I. Police officers, are one of the main subjects of military law and on the other hand, as the executive arms of public law, they are related to the teachings of civil rights, in order to explain their rights and duties within the framework of the charter, civil rights requirements are required to be evaluated.

Methods: The research method in this research is descriptive-analytical in which the initial data has been collected through libraries. After analyzing the initial data, the results of the theoretical study on the issues of civil rights and military law have been obtained.

Findings: The findings of this study indicate that military law has always been influenced by the teachings of civil rights. Accordingly, by combining the requirements of civil rights with military rights, there are similarities and connections between these two areas in some cases, and there are contradictions and conflicts in the others.

Results: Although the changes in the relevant laws are in favor of the teachings of civil rights, and in this regard, the development of the Charter of Civil Rights of the Presidential Institution and some related laws have also affected military law, military law should be given more attention by the legislature.

Keywords: Military law, Judicial officers, Teachings of civil rights, Charter of civil rights.

1. PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University (Qom Branch). Email: mh.amiri1356@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Amin Police University (Corresponding Author). Email: Barani.afarid2@gmail.com

3. Assistant Professor, Islamic Azad University, Qom Branch.

Email: shahrdad.darabi@yahoo.com

Copyright © 2020 Journal of Research Police Science. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست‌وسوم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

صص ۱۱۱-۸۳

تحولات حقوق نظامی متأثر از منشور حقوق شهروندی^۱

محمدحسین امیری^۲، محمد بارانی*^۳، شهرداد دارابی^۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

چکیده

هدف: حقوق جزای نظامی هنگامی که با آموزه‌های نوین حقوق شهروندی برخورد می‌کند، وجوه افتراق و اشتراک متعددی میان این دو حوزه پدیدار می‌شود که پرداختن به آن از نظر علمی دارای اهمیت است. از آنجایی که ضابطان دادگستری به‌ویژه مأموران ناجا یکی از مشمولین اصلی حقوق نظامی به‌شمار می‌آیند و از سویی به‌عنوان بازوان اجرایی حقوق عامه با آموزه‌های حقوق شهروندی ارتباط پیدا می‌کنند، جهت تبیین حقوق و تکالیف آنان در چارچوب منشور، اقتضا دارد بایسته‌های حقوق شهروندی نسبت به حقوق نظامی مورد سنجش قرار گیرد.

روش: روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که اطلاعات اولیه از طریق کتابخانه‌ای گردآوری شده است. پس از تحلیل داده‌های اولیه نتایج حاصل از مطالعه نظری در مباحث حقوق شهروندی و حقوق نظامی به‌دست آمده است.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که حقوق نظامی همواره تحت تأثیر آموزه‌های حقوق شهروندی قرار داشته است، بر این اساس با تلفیق بایسته‌ها و الزامات حقوق شهروندی نسبت به حقوق نظامی مشاهده می‌شود در برخی موارد بین این دو حوزه اشتراک‌ها و پیوندهایی وجود داشته و در برخی موارد تضادها و تراحم‌هایی دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری: اگرچه تحولات صورت گرفته در قوانین موضوعه، به نفع آموزه‌های حقوق شهروندی بوده و در این رابطه تدوین منشور حقوق شهروندی نهاد ریاست جمهوری و برخی قوانین مرتبط نیز بر حقوق نظامی تأثیر داشته، لکن شایسته است حقوق نظامی نیز در این حوزه بیشتر مورد توجه قانونگذار قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حقوق نظامی، ضابطان دادگستری، آموزه‌های حقوق شهروندی، منشور حقوق شهروندی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با همین عنوان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم است.

۲. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه:

mh.amiri1356@gmail.com

۳. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه:

Barani.afarid2@gmail.com

۴. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه:

shahrdad.darabi@yahoo.com

مقدمه

یکی از موضوعات مهم و شاخص در قلمرو حقوق کیفری، حقوق جزای نظامی است. حقوق جزای نظامی زمانی که با آموزه‌های حقوق بشری و حقوق شهروندی ارتباط پیدا می‌کند پرداختن به آن و تحلیل چالش‌های فراروی آن دوچندان می‌شود. پیشرفت و توسعه در کلیه ابعاد سیاسی و اجتماعی در جوامع مختلف مستلزم رعایت موازین حقوق بشری و توجه به بعد کرامت انسانی و منزلت اجتماعی شهروندان است و تلفیق این ارزش‌ها با کلیه قوانین موضوعه به‌ویژه حقوق جزای نظامی در قوانین داخلی کشورها بسیار ضروری است هر وقت سخن از حقوق جزای نظامی، ضابطان دادگستری و حدود اختیارات آنان در مواجهه با شهروندان به میان می‌آید، اولین مفاهیمی که در این مقوله به ذهن متبادر می‌شود و در کانون توجه افکار عمومی قرار می‌گیرد، مفاهیم حقوق شهروندی و مؤلفه‌های تضمین‌کننده آزادی‌های مشروع در جامعه است که دولت‌ها همواره درصدد فراهم آوردن زمینه‌های اجرای آن برای عموم شهروندان خود است.

پژوهش حاضر در مقام مقایسه و اثرگذاری آموزه‌های نوظهور حقوق شهروندی بر حقوق نظامی، که تاکنون از نقطه نظر تحولی مورد عنایت قانون‌گذار قرار نگرفته است، تنظیم شده و آنچه موضوع بحث است، تلفیق بایسته‌ها و الزامات حقوق شهروندی با تمرکز بر منشور حقوق شهروندی نسبت به حقوق جزای نظامی و در راستای تحقق آموزه‌های حقوق شهروندی است، تا از این رهگذر بتوانیم تأثیرات حقوق شهروندی را بر حقوق نظامی بررسی کنیم.

حقوق نظامی یکی از گرایش‌ها و شاخه‌های نوظهور حقوق کیفری است که همواره نظر اساتید و اندیشمندان برجسته حقوق کیفری را به خود معطوف داشته، لکن آنچه که بیشتر در این حوزه نمایان می‌شود کمبود منابع مدون در حوزه حقوق جزای نظامی و نگارش نشدن کتب درسی و دانشگاهی است، وجود تعداد معدود کتب و مقالات علمی در این زمینه نیز، مؤید این مدعا است، هم‌چنین در دسترس نبود منابع و آرای

صادرده از سازمان قضایی نیروهای مسلح، نوپایی و تازگی آن در حقوق مدون موجب شده اصول و مبانی این گرایش نوظهور هم‌چنان از نظر دانشگاهی و آکادمیک مغفول بماند. هریک از گرایش‌های حقوق، بر پایه اصول و مبانی خاصی استوار شده‌اند. از جمله اصولی را که به‌عنوان مبانی حقوق جزای نظامی، علاوه بر اصول عمومی در حقوق کیفری، می‌توان بیان کرد و به‌وضوح نیز در قوانین و مقررات مرتبط با جرایم نیروهای مسلح مشهود است اصل شدت مجازات‌ها، اصل توجه به قداست نظامی و نظامی‌گری، اصل سرعت در رسیدگی‌ها، اصل رعایت تشریفات تعقیب و... است که باید به‌عنوان مبنا و پایه حقوق جزای نظامی مدنظر داشت. (باری، ۱۳۹۸: ۱۹). از طرفی دیگر یکی از دستاوردهای عصر نوین در حوزه حقوق شهروندی که به‌صورت خاص و مدون در دولت یازدهم تهیه و تدوین شده، منشور حقوق شهروندی است. در مقدمه سند مزبور چنین آمده است: «منشور حقوق شهروندی باهدف استیفا و ارتقای حقوق شهروندی و به‌منظور تدوین برنامه و خط‌مشی دولت، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی تنظیم شده و مشمول مجموعه‌ای از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده‌اند و یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آن‌ها به طرق مختلف اهتمام خواهد ورزید». منشور حقوق شهروندی به‌عنوان مهم‌ترین سند بیان‌کننده حقوق شهروندان نسبت به دولت و متقابلاً تکالیف دولت و سایر قوا نسبت به شهروندان، زمانی که با قواعد و مقرره‌های حقوق نظامی روبرو می‌شود در برخی موارد دچار تعارض و در برخی موارد دچار تزاخم می‌شود. در شکل‌گیری و ایجاد این تعارضات از عوامل مختلفی می‌توان نام برد، از جمله این که به‌تناسب تحولاتی که در چند دهه اخیر در سایر گرایش‌های حقوقی در راستای تحقق حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع و همچنین تأمین حقوق بزه‌دیدگان، بزهکاران و متهمان صورت گرفته است حقوق نظامی در این خصوص تحولات چندانی را تجربه نکرده است به‌نحوی که آخرین تحولات اساسی بعد از تصویب قانون اصول محاکمات جزایی در

سال ۱۲۹۰ در حوزه حقوق نظامی اگرچه با تغییراتی همراه بوده است، لکن آهنگ این تحولات با کندی خاصی مواجه بوده است. از طرفی قدمت منابع مدون حقوق نظامی و روزآمد نبودن تحولات صورت گرفته در حوزه حقوق شهروندی، نقش مؤثری داشته که پژوهش حاضر به تشریح آن پرداخته است.

پیشینه و مبانی نظری

مهرآبادی و میرزایی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «مبدأ و منشأ دادرسی عادلانه در نیروهای مسلح» به لزوم بررسی و ایجاد یک نظام دادرسی عادلانه در ساختار نیروهای مسلح پرداخته و ضمن تبیین چالش‌های موجود خواستار اصلاح ساختاری است، آنچه موجب وجوه افتراق و تمایز مقاله موصوف با پژوهش حاضر می‌باشد آن است که لازمه ایجاد تحول در ساختار و تقرب به یک دادرسی عادلانه، مدنظر قراردادن آموزه‌های حقوق شهروندی و توجه بیش از پیش به جایگاه شهروندان و استانداردهای موجود در این حوزه است که سعی شده تحولات حقوق نظامی از جمله اقدامات تحول‌گرایانه در حیطه یک دادرسی عادلانه در سایه توجه به حقوق شهروندی صورت پذیرد.

عزیزی فرد (۱۳۹۶) در کتاب «مبانی حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران» در رابطه با طرح نظام جامع حقوق شهروندی و ارتباط آن با مفاهیم حقوق بشر بیان می‌دارد: طرح نظام جامع حقوق شهروندی در ایران تنها با توجه به منابع قانونی و شرعی و با توجه به پیوستگی و ارتباط مفاهیم حقوق شهروندی و حقوق بشر در پرتو نظریه فطرت و حقوق طبیعی و با توجه به سنت‌های شهروندی در جوامع انسانی امکان‌پذیر است.

مقیم و بهدین (۱۳۹۳) در کتاب «پلیس و حقوق شهروندی» پیرامون موضوع عنوان داشته: تلفیق بایسته‌ها و الزامات حقوق شهروندی با مأموریت‌های پلیس (در راستای پیشگیری از جرم و در مقام ضابط دادگستری، انجام وظایف محوله پس از وقوع جرم) است و منظور از الزامات پلیس نسبت به رعایت حقوق شهروندی کلیه الزاماتی است

که مبتنی بر نص صریح قانون مدون داخلی یا مبتنی بر اسناد بین‌المللی است که دارای ضمانت اجرای کیفری یا فاقد آن است یا از برخی اصول و موازین مقرر در منشورهای رفتاری پلیس اقتباس شده است.

الهی منش و مرادی اوجقاز (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «تبلور حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفریم به بررسی لزوم رعایت حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری به‌عنوان یک اصل و قاعده بنیادین و اجتناب‌ناپذیر پرداختند و نتیجه حاکی از آن بوده است که قانون آیین دادرسی کیفری ما هم با تأسی از آموزه‌های اسلام و با تأکید بر ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و نیز همسو با مجامع بین‌المللی و اسناد مرتبط با آن‌ها، وضع شده است.

غلامی (۱۳۹۲) در کتاب «حقوق جزای نظامی تطبیقی» در رابطه با اهمیت و جایگاه حقوق نظامی و نقش نیروهای مسلح در تأمین و تضمین آسایش عمومی و همچنین به جهت لزوم مطالعه و پژوهش در این نوع گرایش از علوم جنایی بیان می‌دارد: حقوق جزای نظامی گرایشی نو پا و نو پای این رشته در کشور ما بیشتر محسوس است و به همین جهت گسترش ادبیات آن و ایجاد گفتمان فراگیر در حوزه علم حقوق امری بایسته و شایسته اندیشه، تحقیق و تألیف است. در این کتاب نویسنده بیشتر به مطالب مرتبط با حقوق جزای نظامی ایران و با نگاه تطبیقی نسبت به حقوق جزای نظامی کشورهایی مانند فرانسه، آلمان و آمریکا نگریسته است

بهدین و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله «نقش ناجا در تحقق حقوق شهروندی» به بررسی نقش نیروی انتظامی - با کارکرد استقرار نظم و امنیت - در حفظ حقوق شهروندی و به صورت خاص نقش پلیس در تحقق حقوق شهروندی پرداخته است

روش

روش نگارنده در انجام پژوهش پیش‌رو، روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد و با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه در پژوهش، شیوه اصلی برای جمع‌آوری اطلاعات روش کیفی با استفاده از ابزار کتابخانه است. نگارنده کوشیده ضمن استفاده از مجلات و

نشریات معتبر علمی و مقالات، مراجعه به کتابخانه‌ها و همچنین سایت‌های معتبر علمی و منابع لازم را جهت انجام این پژوهش گردآوری و ضمن به کارگیری و تحلیل آن‌ها اقدام به نگارش نماید.

یافته‌ها

حقوق شهروندی. اصطلاح شهروند اصطلاحی قدیمی و برگرفته از آموزه‌های غربی در حقوق یونان باستان بوده و تعریف دقیقی از آن ارائه نشده است ولی از لحاظ لغوی به معنای کسی است که اهل یک شهر یا یک کشور است. البته این اصطلاح در ادبیات حقوقی و سیاسی کشورها به واسطه تلاقی آن با آموزه‌های دینی و حقوق فطری در معنای عام‌تری به کاررفته است (جاوید، صادقی و شفیق‌زاده خولنجانی، ۱۳۹۱: ۹۰). یکی از مؤلفه‌های اجتماعی، سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر، جایگاه و حقوق و امتیازات شهروندان است (النقی پور، ۱۳۹۲: ۵۴). آنچه در این پژوهش محور اصلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته تلفیق بایسته‌ها و الزامات حقوق شهروندی با تمرکز بر منشور حقوق شهروندی نسبت به حقوق نظامی و در راستای تحقق آموزه‌های حقوق شهروندی است. دولت‌ها از یک سو مکلف به تأمین حقوق عمومی و تضمین آزادی‌های مدنی، سیاسی، اجتماعی شهروندان هستند و از سویی دیگر اقتدار و حاکمیت خود را به وسیله قوای نظامی و انتظامی تحکیم می‌بخشند و از این حیث بایستی تلفیق میان این دو حوزه ایجادشده و موانع و چالش‌های فراروی آن برداشته شوند. مشمولین حقوق نظامی که از شاخص‌ترین آنان می‌توان به ضابطان قضایی اشاره کرد بایستی در ارتباط و تعامل با مردم، همواره حقوق حقه آنان را که در منشور حقوق شهروندی به عنوان تجلی گاه و خواست عمومی مردم وضع شده و مشتمل بر حقوق و تکالیف عامه شهروندان است را محترم شمرده و تلاش هر چه بیشتری در راستای اجرای صحیح مفاد آن نمایند.

منشور حقوق شهروندی. منشور حقوق شهروندی، لیستی از مهم‌ترین حقوق شهروندان یک کشور است که توسط حاکمیت به رسمیت شناخته شده و به نوعی

یادآوری مجدد حقوق و تکالیف قانونی آنان نسبت به یکدیگر است. در مقدمه سند مزبور آمده است که منشور حقوق شهروندی باهدف استیفا و ارتقای حقوق شهروندی و به منظور تدوین برنامه و خط‌مشی دولت، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی تنظیم شده و شامل مجموعه‌ای از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده‌اند و یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آن‌ها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا هرگونه تدبیر یا اقدام قانونی لازم، تلاش جدی و فراگیر خود را معمول خواهد داشت. منشور موصوف به‌عنوان کامل‌ترین سند حقوق شهروندی در عصر حاضر در ۲۲ بند و مشتمل بر ۱۲۰ ماده می‌باشد و در تاریخ ۲۹ آذرماه سال ۱۳۹۵ از سوی رئیس‌جمهور امضاء شده است و آیین تمام‌نمای حقوق شهروندان بوده و در آن غالب حقوق مرتبط با شهروندان مورد توجه قرار گرفته است.

حقوق نظامی. حقوق جزای نظامی^۱ یکی از شاخه‌های نوپای حقوق کیفری است که بی‌شک نظر متخصصان و حقوقدانان جزایی را به خود معطوف داشته و این بخش از حقوق، شاخه‌ای از حقوق جزا است که به بررسی جرائم خاص نظامیان، تعریف انواع جرم و تشریح عناصر مادی، معنوی و قانونی و مجازات هر کدام می‌پردازد (باری، ۱۳۹۸: ۵). این رشته یکی از گرایش‌های علوم جنایی بوده که به مطالعه جرم و مجازات در حوزه جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی می‌پردازد و در واقع دانشی برای تثبیت و تقویت مبانی حقوقی عدالت کیفری در نیروهای مسلح است (غلامی، ۱۳۹۲: ۷). حقوق جزای نظامی دارای اوصاف منحصر به فردی بوده و به جهت برخی شدت مجازات‌ها و انعطاف‌ناپذیری لازم در قیاس با سایر شعبات حقوق کیفری، مورد انتقاد برخی صاحب‌نظران حقوقی قرار گرفته و حسب ظاهر، این اوصاف باعث بروز عدم رعایت تساوی و خدشه‌دار نمودن اصل تبعیض‌ناپذیری اشخاص - ولو نظامیان و

ضابطان قضایی به عنوان مشمولین حقوق نظامی - در مقام حاکمیت قانون است، اگرچه نظامیان و بالاخص ضابطان قضایی به جهت ماهیت کار، سنبل نظم و امنیت بوده و الگوی مناسبی برای جامعه محسوب می‌شوند و در صورت ارتکاب جرم، همواره ضرورت داشته با شدت برخوردهای قضایی و انتظامی مواجه شوند لکن نهادهای ارفاقی که قانون‌گذار نسبت به عموم جامعه به‌عنوان بخشی از حقوق شهروندی در قوانین موضوعه اعمال می‌نماید نسبت به نظامیان نیز باید اجرا شود، البته سنگینی و شدت مجازات‌ها صرفاً به لحاظ ارتکاب برخی جرائم خاص قابل توجه است. نظامیان و ضابطان قضایی به‌عنوان شاخص‌ترین کاربران حقوق نظامی، از کنشگران اصلی فرآیند کیفری محسوب می‌شوند و همواره با شهروندان در موقعیت‌های گوناگون روبرو هستند و بالطبع بیشترین تماس را با شهروندان خواهند داشت، بنابراین طبیعی است که بیش از سایر کنشگران عدالت کیفری، در معرض نقض حقوق شهروندان قرار گرفته و همین حساسیت شغلی، نظم و انضباط و مأموریت‌های خاص نظامی ایجاب می‌نماید ضمن رعایت قوانین و مقررات جاری، اصول و مبانی حقوق شهروندی و آموزه‌های مرتبط با آن را به رسمیت شناخته چراکه در صورت نقض حقوق شهروندان می‌تواند علاوه بر ایجاد حس بدبینی نسبت به نیروهای مسلح به‌ویژه ضابطان دادگستری، لطمات جبران‌ناپذیری بر امنیت داخلی و خارجی کشور وارد نمایند.

ارمغان و تحولات منشور حقوق شهروندی در حقوق نظامی و تأثیر آن بر عملکرد ضابطان

با ابلاغ منشور حقوق شهروندی متأثر از آموزه‌های مدرن حقوق بشری، تحولاتی در حقوق شهروندی ایجاد شده است، لاجرم تحت تأثیر این سند و نوآوری‌های ناشی از آن، اصلاح و بازنگری در سایر شعبات حقوقی امری اجتناب‌ناپذیر است. حقوق نظامی اگر چه در زمینه مسائل مرتبط یا حقوق شهروندی دارای تصریحات متناسبی است اما به جهت قدمت بالا و به‌روز نبودن آن، در ارتباط با این مفاهیم نیازمند بازنگری است.

در پژوهش حاضر ضمن تبیین نوآوری‌های منشور حقوق شهروندی در حقوق نظامی، تحولات حاصل از این نوآوری‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

تکالیف ضابطان مبتنی بر منشور؛ پیوند حقوق نظامی با حقوق شهروندی

۱- تأکید بر دسترسی آسان شهروندان به تأمین کنندگان امنیت. حق بر امنیت از حقوق طبیعی بوده و پس از حق بر حیات مهم‌ترین دغدغه فعالان حقوق بشری می‌باشد. این حق از حقوق اولیه و از شرط‌های زیربنایی برای دستیابی به سایر آزادی‌ها و حقوق است (اسمعیل‌پور و شریعت باقری، ۱۳۹۳: ۸). حق دسترسی آسان شهروندان به ضابطان^۱ از حقوق مهم شهروندان بوده و در دسترس بودن آنان در شرایط گوناگون از جمله وظایف اساسی ضابطان محسوب می‌شود اما آنچه که محل بحث بوده و در آموزه‌های حقوق شهروندی بدان تأکید شده است نحوه دسترسی آسان شهروندان به تأمین کنندگان امنیت می‌باشد. لازم است این حق و اعمال آن، به‌دوراز هرگونه صعوبت و مشقت برای شهروندان فراهم شود و هرگونه تعلل، تأخیر و یا تشریفات فراقانونی در خصوص دسترسی به آنان موجبات تضییع حقوق شهروندان را فراهم می‌آورد و این حق زمانی با حقوق نظامی هم‌پوشانی می‌یابد که تأمین کنندگان امنیت به‌ویژه نیروی انتظامی در مقام ضابطان دادگستری، در رویارویی با شهروندان به وظایف خویش به نحو احسن عمل نمایند و از هرگونه رفتاری که موجب تضییع حقوق شهروندان شود، خودداری نمایند. شایان ذکر است در این خصوص حقوق نظامی و به‌ویژه قانون جرائم نیروهای مسلح ساکت است؛ چراکه این قانون غالباً مرتبط با تکالیف مأمورین نیروهای مسلح در انجام وظایف نظامی به‌طور خاص وضع شده است ولی در ارتباط با امور انتظامی در این قانون تصریحات کمتری دیده می‌شود. به هر حال نحوه برخورد و ضمانت اجرای کیفری را می‌توان در سایر قوانین جزایی جستجو کرد، از طرفی

۱- ماده ۱۴ منشور حقوق شهروندی «شهروندان حق دارند در صورت تعرض غیرقانونی به آزادی و امنیت خود، در حداقل زمان ممکن و با نهایت سهولت به مراجع و مأموران تأمین‌کننده امنیت عمومی، دسترسی داشته باشند

رسیدگی به تقصیرات مأمورین انتظامی حسب مورد در محاکم نظامی و یا عمومی صورت می‌پذیرد.

۲- نقش ضابطان بر تأمین امنیت جانی، مالی و اجتماعی شهروندان. امنیت

به این علت که یکی از مهم‌ترین نیازهای بشری است، به عنوان یک امر مهم در حیات اجتماعی انسان همواره مورد توجه بوده و حضور شهروندان در اجتماع مستلزم ایجاد احساس امنیت عمومی در شقوق مختلف آن است و این مهم یک مفهوم نسبی بوده و از زمانی و مکانی به زمانی و مکانی دیگر متفاوت است، اما احساس ناامنی در هر سطحی مانع ایجاد رشد فرهنگی، اجتماعی و مشارکت مؤثر شهروندان در امور می‌شود و هزینه‌هایی را بر جامعه تحمیل خواهد کرد (نایب‌پور، و یسیان، اصغری آزاد و محمدی حمیدی، ۱۳۹۳: ۷). قانون اساسی یکی از حقوق ملت و وظایف حاکمیت را تأمین امنیت جانی، مالی و اجتماعی شهروندان می‌داند، این حق در اصل بیست دوم قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته که چنین مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص مصون از تعرض است». هم چنین این حق به موجب بند (پ) منشور حقوق شهروندی، حق آزادی و امنیت شهروندی،^۱ از جمله حقوق مصرح مردم در سند مزبور است و هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی و اجتماعی برخوردار شود، ضابطان مسئول تأمین امنیت جانی، مالی و اجتماعی شهروندان هستند و شاید بتوان گفت که اساسی‌ترین وظیفه و مسئولیت آنان، تأمین نظم و امنیت عمومی جامعه است. برقراری امنیت توسط ضابطان و حق بر امنیت شهروندان تلاقی گاه حقوق نظامی با حقوق شهروندی است، چرا که اگر ضابطان به وظایف اصلی خویش به بهترین نحو ممکن عمل نکنند موجب تضییع حقوق شهروندان خواهد شد و اشخاص مزبور

۱- ماده ۱۳ منشور حقوق شهروندی: ((هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضایی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد. اقدامات غیرقانونی به نام تأمین امنیت عمومی به‌ویژه تعرض به حریم خصوصی مردم ممنوع است.))

به‌عنوان هسته اصلی مشمولین حقوق نظامی، زمانی می‌توانند بهترین عملکرد را از خود نشان دهند که تحت تأثیر موازین حقوق شهروندی و تحولات ناشی از آن نسبت به عموم شهروندان قرار گرفته و بدین‌سان به وظایف خویش عمل نمایند. بنابراین ضابطان و به‌طور کلی مشمولین حقوق نظامی در راستای تکالیف و وظایف قانونی تجلی‌بخش این مهم هستند.

۳- تأکید بر عدم برخورد تبعیض‌آمیز توسط ضابطان و اعمال سلیقه‌های فردی نسبت به شهروندان. دومین فصل از منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران، حق کرامت و برابری انسانی^۱ نام دارد و یکی از ضوابط اجرای این حق حساس عدم تبعیض میان شهروندان بوده و به عبارتی، هر نوع رفتار غیر عادلانه تبعیض محسوب می‌شود. عمده برخورد مأموران با شهروندان در ایفای نقش ضابط قضایی بروز می‌نماید و شهروندان به‌عنوان اشخاص دخیل در فرآیند دادرسی کیفری خواه در قالب شاکی، متهم و یا حتی مجرم دارای حقوق ویژه‌ای است که برگرفته از آموزه‌های حقوق شهروندی بوده و به‌صرف اتهام شخص، نمی‌توان این حقوق را نادیده گرفت (اژدری، اسدی کشکولی و بیرجندی، ۱۳۹۸: ۹). برخورد تبعیض‌آمیز میان شهروندان دارای مصادیق گوناگونی از جمله: تبعیض نژادی، قومی، جنسیتی و... اما آنچه که موضوع بحث حقوق شهروندی و از جمله تکالیف و وظایف ضابطان و پیوند میان این دو حوزه محسوب می‌شود، عدم برخورد تبعیض‌آمیز مأمورین و اعمال سلیقه‌های فردی و شخصی در هر سطحی، در برخورد با شهروندان است، تبعیض پلیسی به‌واسطه برخورد متفاوت ضابطان در شرایط مشابه علاوه بر اینکه موجب نقض حقوق شهروندان می‌شود موجب از بین رفتن احساس امنیت عمومی و ایجاد حس بدبینی نسبت به همه نیروهای مسلح خواهد شد که این امر و به‌طور کلی در حقوق نظامی، هرگونه ایجاد جو

۱- ماده ۷ منشور حقوق شهروندی: «شهروندان از کرامت انسانی و تمامی مزایای پیش‌بینی‌شده در قوانین و

مقررات به نحو یکسان بهره‌مند هستند.»

بدینی نسبت به نیروهای مسلح جرم انگاری شده و در همین راستا ماده ۵۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مقرر می‌دارد: «هر نظامی با اقدام خود و برخلاف شئون نظامی به نحوی از انحاء موجبات بدینی مردم را نسبت به نیروهای مسلح فراهم سازد به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، حقوق نظامی به‌ویژه رویه قضایی در سازمان قضایی نیروهای مسلح در این رابطه بسیار سخت‌گیرانه برخورد کرده است چراکه هر اقدامی که موجبات بدینی نسبت به نیروهای مسلح را به‌وجود آورد جرم انگاری شده است اعم از این‌که این اقدام جرم باشد یا جرم نباشد، که ضابطه جرم بودن رفتار و اقدامات مأمورین را عرف مشخص می‌کند.

۴- منع تعرض به حریم خصوصی شهروندان به‌وسیله ضابطان قضایی. حریم خصوصی آن بخش از زندگی هر انسان است که در آن از آزادی در برابر بازخواست و کیفر حقوقی برخوردار است و هرگونه تصمیم‌گیری درباره آن و نیز اطلاع، ورود و نظارت بر آن منحصراً در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن یا دسترسی به آن بدون اذن او مجاز نیست (اسکندری، ۱۳۸۹: ۴). با توجه به اینکه قانون‌گذار نیز تعریف و ملاک دقیقی از حریم خصوصی ارائه نکرده است، این مقوله در حوزه اجرا و تشخیص مصادیق حریم خصوصی، کار را برای مشمولین حقوق نظامی به‌ویژه ضابطان قضایی دشوار کرده. در بند «خ» منشور حقوق شهروندی، حق بر حریم خصوصی^۱ بیان‌شده و لازم است به‌موجب آن حریم خصوصی اشخاص محترم شناخته شود و اصل بر منع تفتیش و بازرسی شهروندان است مگر در موارد قانونی. در خصوص ضابطان و تکلیف

۱- ماده ۳۶ منشور حقوق شهروندی: «حق هر شهروند است که حریم خصوصی او محترم شناخته شود. محل سکونت، اماکن و اشیاء خصوصی و وسایل نقلیه شخصی از تفتیش و بازرسی مصون است، مگر به‌حکم قانون.»

آنان بر لزوم رعایت حریم خصوصی شهروندان در قوانین موضوعه تأکید شده است^۱ و به صورت خاص و آنچه که مرتبط با حقوق نظامی در این حوزه می‌باشد، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۹۴/۰۱/۲۳ می‌باشد که برای اولین بار در قوانین موضوعه تفکیک دقیق‌تری از حریم خصوصی با بیان مصادیقی از جمله حریم خصوصی آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و وسایل نقلیه ارائه نموده است. تبصره ذیل ماده ۵ قانون مذکور در مقام بیان این تفکیک مقرر می‌دارد: «اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست.» مفهوم مخالف این تبصره چنین است که، اماکنی که در دید معرض عموم قرار نداشته و در بررسی آن نیاز به تجسس و کنکاش دارد، حریم خصوصی افراد تلقی و هیچ‌کس و به هیچ بهانه‌ای حق تعرض به آن را ندارد. این مقرر تکلیف را در رعایت حریم خصوصی بایمان مصادیق مزبور نسبت به عموم مردم و نیروهای انتظامی تا حدودی مشخص نموده است. چنانچه بیان شد در صورت نقض حریم خصوصی، ضمانت‌اجراهایی وجود دارد، اما در خصوص گستره و نحوه اعمال حق بر حریم خصوصی در برخورد با شهروندان، در اماکن و شوارع عمومی در قیاس با اماکن خاص از جمله: ورود به اماکن نظامی، دیدار با مقامات، ورود به دادگستری‌ها و موارد مشابه باید قائل به تفکیک شویم. چراکه اختلاف دیدگاه‌هایی نیز در این خصوص میان حقوقدانان وجود دارد.^۲ برخی از حقوقدانان معتقدند باوجود وجود نص صریح ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری هرگونه تفتیش و بازرسی در هر شرایط و هر مکانی مطلقاً نیاز به اذن موردی مقام قضایی دارد و از سوئی

۱- ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هرچند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.»

۲- جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به تقریرات درس آیین دادرسی کیفری مقطع کارشناسی ارشد، دکتر خالقی، دانشگاه تهران.

دیگر در مقابل این نظر، اشخاصی معتقدند که اماکن خاص و موارد حساس از قاعده کلی مندرج در ماده مزبور مستثنی بوده و اشخاص با ورود به این اماکن تلویحاً اذن به تفتیش داده و اخذ اذن موردی در این موارد امری غیرمعارف و غیرمعقول است. با این وجود به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از دو نظر فوق کامل و جامع نبوده و شایسته است قانون‌گذار ضمن اصلاح مقرر فوق، به تصریح موارد استثنایی اقدام نماید.

۵- تأکید بر عدم دخالت و رعایت بی‌طرفی قوای نظامی در فرآیندهای انتخاباتی. آنچه مسلم است و در حقوق نظامی نیز مورد تصریح قرار گرفته، عدم دخالت در فرآیندهای انتخاباتی با تأکید بر اصل بی‌طرفی قوای نظامی و ضابطان قضایی (ناجا) به عنوان اشخاص دخیل در برگزاری یک انتخابات سالم، مطمع نظر قانون‌گذار بوده تا شهروندان بتوانند به راحتی و بدون دخالت و اثرگذاری نیروهای انتظامی و امنیتی در اراده آنان، منتخبین خود را در یک فرآیند سالم و قانونی انتخاب نمایند و در صورت عدم رعایت بی‌طرفی کامل و دخالت در فرآیندهای انتخاباتی، این امر به موجب ماده ۴۰ ق.م.ج.ن.م جرم انگاری گردیده و مرتکبان حسب مورد به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌گردند.

حقوق ضابطان متأثر از استانداردهای منشور حقوق شهروندی

منشور حقوق شهروندی برآمده از اصول و استانداردهای خاصی بوده که همگی ناشی از موازین حقوق بشری و استانداردهای بین‌المللی هستند و اکنون باید به بررسی این اصول و آموزه‌ها و تأثیر آن در حقوق نظامی پرداخته شود. اینکه حقوق نظامی تا چه میزان با استانداردهای منشور مطابقت داشته؟ و در چه مواردی استانداردهایی وجود دارد که در حقوق نظامی مغفول مانده است و این مقرره‌ها در چه مواردی با حقوق نظامی در تعارض می‌باشند؟ جهت پاسخ به سوالات مزبور و تبیین استانداردهای ناشی از آن، ابتدا به بررسی حقوق نظامیان مبتنی بر منشور می‌پردازیم.

۱- حقوق نظامی و دادخواهی عادلانه در پرتو منشور حقوق شهروندی.

خصوص دادخواهی عادلانه، دادرسی منصفانه و حقوق اصحاب دعوی در برخورد با

متهم، اصل بر برائت است و در برخورد با زیان دیده اصل بر جبران خسارات و لطمات وارده است و پرسش اصلی و مهم این است که چرا این اصول در دادرسی‌ها به این اندازه مهم است، این اصول چه ارتباطی با حقوق نظامی داشته و آموزه‌های حقوق شهروندی چه نقشی در تحولات حقوق نظامی در این زمینه ایفا می‌نماید؟ و اینکه حقوق نظامی چه جایگاهی در تأمین حقوق اصحاب دعوی دارد؟ با تأملی در مفاد سند حقوق شهروندی و تعالیم ناشی از آن مشخص می‌شود که برخورداری از یک دادرسی منصفانه و عادلانه به عنوان حقوق بدیهی و اساسی شهروندان به رسمیت شناخته شده است. نظامیان و به ویژه ضابطان دادگستری به عنوان بیشترین کنشگران عرصه عدالت کیفری در ارتباط با شهروندان قطعاً باید از چنین حقوقی برخوردار شوند و اساساً در راستای انجام وظایف ذاتی و قانونی خویش باید دارای اختیار عمل بوده تا مجال سوءاستفاده برای سایر اشخاص به جهت عدم حمایت‌های قانونی و قضایی از آنان وجود نداشته باشد. در ادامه با بیان ضوابط و شاخصه‌های اصلی حق برخورداری از دادرسی منصفانه^۱ به پرسش‌های پیش گفته پاسخ داده می‌شود.

الف) حق دادخواهی و اقامه دعوی. حق دادخواهی و اقامه دعوی به عنوان بخشی از حقوق و آزادی‌های فردی اشخاص و لازمه حمایت از سایر حقوق بنیادین شهروندان می‌باشد. حق دادخواهی و اقامه دعوی در اسناد معتبر بین‌المللی و قانون اساسی اغلب کشورها به رسمیت شناخته شده است و مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید...». به طور کلی منظور از حق دادخواهی و اقامه دعوی این است که چنانچه حقوق و آزادی‌های به حق شهروندان در معرض تهدید و تضییع قرار گرفت می‌توانند با مراجعه به مراجع صلاحیت‌دار درخواست احقاق حق کرده و

۱- ماده ۵۷ منشور حقوق شهروندی: «اصل بر برائت است و هیچ کس مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه اتهام او در دادگاه صالح و با رعایت اول دادرسی منصفانه ... اثبات شود...».

مراجع مزبور مکلف هستند با بی طرفی، در کمال استقلال و در یک دادرسی عادلانه به ادعای شهروندان رسیدگی نمایند (زارع و خداکرمی، ۱۳۹۸، ۵-۲). منشور حقوق شهروندی که میثاق اصلی دولت با آحاد جامعه در خصوص تأمین کامل حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان است. حق دادخواهی و اقامه دعوی به موجب بند «ز» منشور، به رسمیت شناخته شده است و ضوابط اصلی آن همچون اصل براءت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل استقلال و بی طرفی مراجع قضایی و قضات، حق دفاع و... تصریح شده است، اما آنچه که محل بحث بوده و تلاقی گاه حقوق شهروندی و حقوق نظامی است، وجوه افتراق میان حق دادخواهی و اقامه دعوی در حقوق نظامی با سایر قوانین است. از جمله می توان به محدودیت‌ها و لزوم دستورالعمل‌های نظامی و رعایت سلسله مراتب نظامی در ارتباط با طرح شکایت نظامیان اشاره نمود؛ بدین نحو که در صورت شکایت پرسنل نیروهای مسلح ضرورت دارد، ابتدا از طریق سلسله مراتب فرماندهی به عمل آید، چنانچه موضوع، شکایت از فرماندهان و مسئولان مربوطه باشد، تظلم خواهی باید به مرجعی که از وی شکایت شده است (شخص مشتکی عنه) تسلیم شود.^۱ به نظر می رسد پیش شرط اعمال حق دادخواهی و اقامه دعوی مطلع کردن و پیگیری از طریق نهادهای درون یگانی برای یک فرد نظامی است و این قید اعمال مطلق حق طرح دعوی را محدود کرده و از این حیث برای نزدیک شدن به اصول کلی حاکم بر دادرسی منصفانه قوانین نظامی در این خصوص نیاز به اصلاح و بازنگری دارد.

۱- ماده ۱۳۸ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح: «شکایت باید از طریق سلسله مراتب به عمل آید. چنانچه موضوع شکایت مربوط به فرمانده، رئیس یا مدیر مستقیم شاکی باشد، ابتدا شکایت به وی ارسال و در صورت عدم رسیدگی به شکایت به یک رده بالاتر در سلسله مراتب ارسال یا منعکس می گردد و چنانچه شکایت مربوط به مقام بالاتر از فرمانده، رئیس یا مدیر مستقیم شاکی باشد، از طریق سلسله مراتب خود، ارسال می گردد و در صورت عدم رسیدگی، شاکی می تواند مراتب را با مدارک مستند و با رعایت مقررات به مبادی ذی ربط ارسال دارد.»

ب) حق دسترسی به پرونده اتهامی و انتخاب وکیل. به موجب اصل ۳۵ قانون اساسی^۱، حق داشتن وکیل در محاکم به رسمیت شناخته شده و اصحاب دعوی حق دارند در تمامی دعاوی برای خود وکیل تعیین نمایند و دادگاه نیز مکلف است امکانات تعیین وکیل را فراهم نماید و این حق در قانون آیین دادرسی کیفری نیز در موارد متعددی مورد تأکید قرار گرفته است و چنانچه متهم از وکیل بهره‌مند شود، به واسطه دانش تخصصی وکیل، احتمال بروز اشتباهات قضایی و پلیسی به حداقل ممکن خواهد رسید (لاریجانی و غریب‌آبادی، ۱۳۹۸: ۱۳۵). یکی از حقوق مصرح در منشور حقوق شهروندی و اسناد بین‌المللی که لازمه برخورداری از یک دادرسی عادلانه است، حق دسترسی به پرونده و حق انتخاب وکیل است، چراکه دسترسی به پرونده قضایی از حیث شناسایی ادله، مدارک و آمادگی برای دفاع امری بدیهی بوده و از سویی دیگر، دفاع شایسته در مقابل اتهامات، جز با انتخاب وکلای حاذق و متخصص میسر نمی‌شود، اما این حقوق در حوزه حقوق نظامی گاهی با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود که بخشی از این محدودیت‌ها برای حفظ امنیت و اسرار نظامی امری بدیهی بوده و بخشی نیز از این محدودیت‌ها نیاز به اصلاح و بازنگری دارد. به‌عنوان مثال در تحقیقات مقدماتی پرونده‌های خاص به‌ویژه اتهامات با مجازات‌های سنگین که نقش وکیل و آزادی در انتخاب آن در دفاع از حقوق متهمین از اهمیت بالایی برخوردار است، نظامیان دارای محدودیت‌هایی هستند و این محدودیت‌ها در ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری (بخش نیروهای مسلح) بیان شده است.

پ) حق آزادی و منع بازداشت‌های بدون مجوز قانونی. پس از حق حیات، حق بر آزادی و ممنوعیت بازداشت‌های خودسرانه مهم‌ترین حق بشری محسوب می‌شود. حق بر آزادی و ممنوعیت بازداشت‌های غیرقانونی از حقوق اولیه و شروط زیربنایی

۱- اصل ۳۵ قانون اساسی: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر

توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.»

برای دستیابی به سایر حقوق و آزادی‌ها است که جمهوری اسلامی ایران نیز در حوزه حقوق بشر بین‌الملل تعهداتی مبنی بر رعایت این اصول بنیادین را پذیرفته است که این تعهدات باید در قانون و عمل تطبیق داشته باشند (حمیدی، ۱۳۹۵: ۹۷). با وضع منشور حقوق شهروندی متأثر از آموزه‌های نوین حقوق بشری، حق آزادی و منع بازداشت غیرقانونی شهروندان در بند «ب» و مواد ۱۲ الی ۱۴ منشور مطرح شده، جایگاه و تأثیر این اصول بنیادین در حقوق نظامی و قوانین و مقررات مربوط به مجازات جرائم نیروهای مسلح به روشنی مشخص نیست، اگرچه قانون‌گذار به موجب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب^۱ ۱۳۹۲، صدور قرارهای بازداشت موقت الزامی را ممنوع اعلام کرده است، اما حقوق نظامی به موجب تبصره ذیل ماده ۲۳۷ قانون مزبور یعنی صدور قرار بازداشت‌های موقت الزامی در نیروهای مسلح را تجویز کرده است. همچنین اعطای حق بازداشت اشخاص نظامی به فرماندهان مربوطه در حقوق نظامی و استفاده توسط برخی مقامات مافوق از این اختیار قانونی فراهم شده است.

۲- حق عضویت در تشکل‌ها، احزاب و تجمعات قانونی. در راستای ماده ۴۳ سند مزبور مقرر می‌دارد: «شهروندان از حق تشکیل، عضویت و فعالیت در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد، با رعایت قانون، برخوردارند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. عضویت یا عدم عضویت نباید موجب سلب یا محدودیت حقوق شهروندی یا موجب تبعیض ناروا شود». اما در ارتباط با فعالیت‌های سیاسی، نحوه عضویت در احزاب و گستره اعمال این حق توسط نیروهای مسلح، محدودیت و ممنوعیت‌های وجود دارد. در خصوص این امر، به موجب قوانین مقررات مختلف، از جمله: قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی

۱- توضیح آنکه به موجب مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، صدور قرار بازداشت موقت تنها در جرائم محدود و منوط به وجود شرایط خاصی امکان‌پذیر است.

مصوب ۹۵/۰۸/۲۶ و بند «چ» ماده ۵ قانون مزبور و همچنین ماده ۴۰ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، عضویت کارکنان نیروهای مسلح در جمعیت‌های سیاسی ممنوع و دارای ضمانت اجرای کیفری است. رکن مادی بزه موصوف از دو بخش عضویت در سازمان‌ها، احزاب و جمعیت‌های سیاسی و مداخله یا شرکت و یا فعالیت در دسته‌بندی‌ها و مناقشه‌های سیاسی و انتخاباتی تشکیل شده و نوع فعالیت تشکل‌های موصوف بایستی سیاسی بوده و عضویت در سازمان‌ها و جمعیت‌ها با اهداف اقتصادی، فرهنگی، هنری و... از شمول این ماده خارج هستند، همچنین عضویت رسمی یا ثبت‌نام با رعایت تشریفات خاصی برای تحقق شرایط این ماده لازم نبوده و عضویت در این سازمان‌ها، احزاب و... به طریق گوناگون از جمله: ثبت‌نام در حزب یا سازمان، دریافت کارت شناسایی یا عضویت، پرداخت بخشی از هزینه‌های تشکل و امثال آن قابل احراز است، اما صرف هواداری یا طرفداری از سازمان‌ها و تشکل‌های سیاسی مشمول مقررات این ماده نبوده و فاقد وصف جزایی است (یزدانیان، ۱۳۹۰: ۱۱۹). با توجه به نص قانون و رویه قضایی حاکم بر تفسیر این مقرره، صرف عضویت کارکنان نیروهای مسلح در سازمان‌ها و احزاب سیاسی موجب تحقق جرم شده، اما با توجه به تجربیات گران‌سنگ و ارزنده‌ای که اعضای نیروهای مسلح در طول دفاع مقدس و همچنین دوران سازندگی پس از جنگ تحمیلی کسب نموده‌اند و همچنین طیف گسترده‌ای از نخبگان علمی و انقلابی در نیروهای مسلح، این ممنوعیت و محدودیت قانونی موجب تضعیف جایگاه حقوقی احزاب و مشارکت کمتر افراد جامعه خواهد شد. در خصوص تحلیل قسمت دوم ماده مبنی بر ممنوعیت مداخله افراد نظامی در دسته‌بندی‌ها و مناقشات سیاسی، به نظر می‌رسد قانونگذار باهدف پیشگیری از چندقطبی شدن اعضای نیروهای مسلح و ارتباط غیرمتعارف آنان با احزاب و گروه‌های مختلف که موجب خدشه و تضعیف جایگاه نیروهای مسلح می‌شود، به‌درستی مورد تأکید قرار گرفته

است، اما صرف عضویت کارکنان نیروهای مسلح در احزاب سیاسی به نظر می‌رسد این مقررات محدودیت در حقوق نظامیان را فراهم می‌آورد.

به موجب ماده ۴ قانون نظام صنفی کشور: «آن گروه از افراد صنفی که طبیعت فعالیت آنان از یک نوع باشد، تشکیل یک صنف را می‌دهند...». و به موجب همان قانون و سایر مقرره‌های مرتبط، برگزاری و شرکت در تجمعات صنفی به شرطی که خلاف اصول و مبانی جمهوری اسلامی ایران و مسلحانه نباشد امری مقبول بوده و شرکت کنندگان نیز تحت لوای قانون مورد حمایت قرار خواهند گرفت، اما به موجب بند «ج» ماده ۳۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح که مقرر می‌دارد: «نظامیان مسلحی^۱ که به منظور دستیابی به اهداف شخصی، صنفی و گروهی یا بهره‌مندی از مزایا یا امتیازات یا علیه تصمیمات قانونی مسئولان و نظایر آن در یگان‌های نظامی یا در هر محل دیگر اجتماع، تحصن یا اعتصاب نموده یا به هر نحوی موجب اخلال در نظم شوند به حبس از سه تا پانزده سال...». به نظر می‌رسد وضع چنین مقرره‌ای، با قدری تعدیل در مصادیق آن و مشخص نمودن حوزه‌های آسیب به امنیت ملی و انسجام نیروهای مسلح امری ضروری است.

رویه قضایی حاکم بر تعارض دستورات سلسله‌مراتب نظامی با آموزه‌های حقوق شهروندی. ضابطان قضایی به‌عنوان اولین و بیشترین برخوردکنندگان با عموم شهروندان، باید ضمن آگاهی کامل به موازین حقوق بشری و رعایت مفاد حقوق شهروندی از تعرض به حقوق شهروندان خودداری کنند. این اشخاص، مسئول اجرای قانون و همچنین تأمین‌کننده امنیت شهروندان هستند. این مقوله صرفاً تا حدی که به حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان خدشه‌ای وارد نکند، مورد حمایت قانون است، از این جهت هرگونه رفتار که موجب تعرض به حقوق شهروندان شود، اگرچه به بهانه تأمین امنیت و یا در قالب اجرای دستورات سلسله‌مراتب نظامی برخلاف قانون است،

۱- شایان ذکر است که به موجب بند «د» قانون موصوف شرکت در مجامع صنفی، گروهی و... تحت هر عنوان، حتی بدون سلاح نیز جرم بوده و مرتکب یا مرتکبین به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

چراکه تبعیت از دستورات مافوق و سلسله‌مراتب هنگامی که دستور صادره مغایر با حقوق شهروندی باشد، انجام آن توسط ضابطان قضایی قابل توجه نیست و از مصادیق اجرای دستورات غیرقانونی محسوب می‌شود. در ارتباط با دستورات غیرقانونی سلسله‌مراتب نظامی، فروض مختلفی قابل تصور است که در ذیل و به صورت اجمالی به تشریح آن می‌پردازیم:

فرض اول؛ حالتی است که دستور مافوق و سلسله‌مراتب نظامی برخلاف صریح قوانین و موازین حقوق شهروندی است و از این جهت مأمور در تشخیص غیرقانونی بودن دستور ابهامی ندارد. در این حالت اجرای دستور به هیچ وجه برای مأمور لازم نیست در صورت اجرای دستور برخلاف حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان، آمر و مأمور هر دو مسئول بوده و به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌گردند و ضمانت اجرای آن حسب مورد در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، و یا سایر قوانین موضوعه پیش‌بینی شده است که از لحاظ کیفی بستگی به رفتار ارتكابی آمر و مأمور دارد. در این رابطه رویه قضایی محاکم نظامی سراسر کشور، مسئولیت کیفری را متوجه دستوردهنده یعنی مافوق نظامی به‌عنوان آمر و اجراکننده دستور به‌عنوان مباشر و مأمور می‌داند.

فرض دوم؛ وضعیتی است که مأمور به تصور این که دستور مافوق قانونی بوده اقدام به اجرای آن و تبعیت از دستور مافوق خود کرده است، از این جهت مسئولیتی متوجه مأمور نبوده و فقط آمر و دستوردهنده مسئول است. بنابراین تأثیری که حقوق شهروندی بر حقوق نظامی بر جای گذاشته است را می‌توان در تکرار و تبیین مصادیق متعدد حقوق شهروندی و تشریح حقوق و آزادی‌های مشروع جامعه به‌ویژه تأکیدات منشور در تبیین حقوق شهروندی بیان نمود آراء متعدد که از سازمان قضایی نیروهای مسلح صادر گردیده و مورد تأیید دیوان عالی کشور نیز قرار گرفته است مؤید رویه

یکسان محاکم قضایی در فرضی که اجرای دستورات سلسله‌مراتب نظامی صرفاً با اشتباه قابل قبول از سوی مأمورین اجرا شده، می‌باشد.^۱

بحث و نتیجه‌گیری

سیاست جنایی تقنینی در حقوق نظامی در قبال وابسته‌های حقوق شهروندی و تأمین آزادی‌های مشروع برای عموم شهروندان و اعمال آن نسبت به مشمولین حقوق نظامی اگرچه دستاوردهای مثبتی را نیز به همراه داشته است لکن پیشرفت و شتاب آن در این حوزه نسبت به سایر گرایش‌های حقوقی کند بوده و کماکان انتظارات کاربران حقوق نظامی اعم از قضات، وکلا و نظامیان را تأمین ننموده است. به نظر می‌رسد حقوق نظامی به لحاظ مباحث پیش گفته و در مقایسه با رویکردهای نوین عدالت کیفری تاکنون مقاومت نموده و انعطاف‌پذیری محسوسی از خود نشان نداده است. با بررسی حقوق نظامی و انطباق آن با اشکال نوین عدالت کیفری، نقاط قوت و ضعف آن نمایان می‌گردد:

نقاط قوت حقوق نظامی. تأسیس نهادهای ارفاقی، مقررات مربوط به حبس با خدمت، الزامات اصل قانونی بودن جرائم و مجازات در حقوق نظامی، حمایت قضایی از مجروحان، بیماران و شهروندان در معرض خطر جانی، مسئولیت ناشی از اقدام برخلاف شئون نظامی، تحدید اختیارات نظامیان در استفاده از سلاح، پرداخت دیه و خسارت به افراد بی‌گناه ناشی از مأموریت‌های نیروهای مسلح، رعایت مقررات ویژه دادرسی اطفال و نوجوانان در رسیدگی به جرائم نظامیان کمتر از ۱۸ سال، ممنوعیت انتشار احکام دادگاه‌های نظامی، حذف مجازات بدنی شلاق برای نظامیان (صرفاً در صورت ارتکاب جرائم خاص نظامی)، ضابطه‌مندسازی تخلفات انضباطی و تضییق

۱ - رجوع شود به منتخب آرای دیوان عالی کشور در مورد جرائم نظامی و انتظامی، معاونت قضایی و حقوقی اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح.

عناوین جزایی اشاره نمود که به صراحت در قانون جرائم نیروهای مسلح پیش‌بینی شده است.^۱

کاستی‌های حقوق نظامی. سیاست جنایی حاکم بر حقوق نظامی غالباً مبتنی بر واکنش‌های تنبیهی و قهرآمیز بوده که با رویکردهای نوین جرم‌شناختی و تحولات ناشی از مقداری فاصله دارد و در مجموع می‌توان گفت با وجود پیش‌بینی حداقلی نهادهای ارفاقی، نظام دادرسی در حقوق نظامی مجازات‌محور است که در قیاس با مقرره‌های به‌روز حقوق شهروندی نیاز به بازنگری دارد. تحولات در حقوق نظامی تحت تأثیر نظام دادرسی‌های سخت‌گیرانه شکل گرفته و در پیشگیری از جرم غالباً به اجرای مجازات‌های کیفری تکیه دارد. سیاست جنایی حاکم بر حقوق نظامی غالباً مبتنی بر واکنش‌های تنبیهی و قهرآمیز بوده که برای هم‌سو شدن با رویکردهای نوین جرم-شناختی نیاز به تلاش دارد و در مجموع می‌توان گفت با وجود پیش‌بینی حداقلی نهادهای ارفاقی، نظام دادرسی در حقوق نظامی مجازات‌محور است.

با توجه به عدم تصریح قانونی مبنی بر قابل‌گذشت بودن برخی عناوین جزایی در حقوق نظامی و این‌که اصل بر غیرقابل‌گذشت بودن جرائم است، مگر این‌که قابل‌گذشت بودن آن تصریح شده باشد. بنابراین می‌توان گفت به‌طور کلی عناوین مجرمانه حقوق نظامی از جمله جرائم غیرقابل‌گذشت محسوب می‌شوند و این امر در حوزه حقوق نظامی، باید با آموزه‌های نوین سیاست جنایی مبتنی بر آموزه‌های جرم‌زدایانه، هم‌سو شود و اعمال مقررات مرتبط با نهادهای ارفاق‌آمیز و میانجی‌گری کیفری را که امروزه از مهم‌ترین دستاوردهای علوم جنایی مدرن محسوب می‌شوند را در حقوق نظامیان حیاتی دوباره ببخشد.

۱ - جهت مطالعه بیشتر ر.ک به مواد ۳، ۴، ۵، ۷، ۱۱، ۴۱، ۵۳، ۵۴، ۱۳۰ از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

اقدامات تحولی در خصوص حبس‌زدایی و قضازدایی در حقوق نظامی به‌ویژه در قانون جرائم نیروهای مسلح هم‌سو با تعالیم حقوق شهروندی قابل ذکر است ولی به‌نظر می‌رسد متأثر از شرایط اقتصادی موجود و کاهش ارزش پول ملی، لازم است این قوانین متناسب با شرایط فعلی اجتماعی و اقتصادی اصلاح و بازنگری شود. به‌عنوان مثال ایراد خسارت ناشی از بی‌احتیاطی به اموال نیروهای مسلح، چنانچه کمتر از ده میلیون ریال باشد فاقد وصف مجرمانه بوده و تعدیل مبلغ مزبور در ماده و به‌روز شدن آن متناسب با شرایط اقتصاد کنونی و کاهش ارزش پول ملی، می‌تواند منجر به جرم‌زدایی از این مقرر و به‌تبع آن کاهش چشمگیر پرونده‌های قضایی را به دنبال خواهد داشت.

با توجه به تدوین لایحه قانون به‌کارگیری سلاح و هم‌چنین تغییراتی که در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در دست اقدام است، ضرورت دارد تحولات مزبور نیز به نفع آموزه‌های حقوق شهروندی در حقوق نظامی صورت پذیرد. در حوزه‌های اجرایی و در مقام عمل هنگام برخورد ضابطان با شهروندان، تحولات گسترده‌ای متأثر از منشور و تعالیم آن صورت پذیرفته است. از این‌رو در برخوردهای پلیسی و قضایی، حفاظت و صیانت از حقوق شهروندی مورد توجه بوده و تدوین دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های فراوانی هم‌چون سند تحول قضایی به‌منظور ایجاد تحول و دستیابی به عدالت کیفری، مؤید این امر است که اولین مأموریت آن در برنامه تحول، شناسایی قوانین و مقررات متعارض، مبهم و ناقص بوده که به‌نظر می‌رسد با توجه به تحولات اجتماعی و آموزه‌های حقوق شهروندی، لزوم تغییر و تعدیل در مقرره‌های موجود امری گریزناپذیر است، اگرچه تا به امروز مشمولان حقوق نظامی به‌ویژه مأمورین ناجا سعی داشته تا حد امکان رفتار خود را هم‌سو با آموزه‌های حقوق شهروندی و احترام به آزادی‌های مشروع جامعه تعدیل کنند، اما تحول اساسی و مؤثر، منوط به هم‌سوسازی بیشتر مقرره‌های قانونی با آموزه‌های نوین حقوق شهروندی است.

پیشنهادها

- با توجه به پژوهش حاضر و نتایج حاصل از آن، موارد ذیل در راستای ارتقاء و ارتباط هر چه بیشتر میان حقوق نظامی و آموزه‌های حقوق شهروندی پیشنهاد می‌شود:
- ارتقاء سطح کمی و کیفی کلاس‌های آموزش حقوق شهروندی ضمن خدمت و آگاه‌سازی ضابطان قضایی و هم‌چنین ارائه این آموزش‌ها برای کارکنان ناجا بر اساس سطح‌بندی و جایگاه شغلی آنان در سراسر کشور، با استفاده از ظرفیت‌های قانونی ایجادشده در قانون آیین دادرسی کیفری با بهره‌گیری از توان علمی اساتید دانشگاه، قضات و صاحب‌نظران امور انتظامی و نظامی.
 - تشکیل و ایجاد دادرها و دادگاه‌های تخصصی ویژه حقوق شهروندی در سازمان قضایی نیروهای مسلح، تقویت و توسعه این دادرها در سطح دادگستری‌ها و مجتمع‌های قضایی جهت رسیدگی به موارد نقض حقوق عامه و حقوق شهروندی با به کارگیری قضات مجرب.
 - ارائه لوایح و طرح‌های قانونی به‌منظور اصلاح و تحول در ساختارهای موجود و ایجاد تشکیلات لازم و تدوین قوانین متناسب در حقوق نظامی، برای هم‌سویی بیشتر قوانین با آموزه‌های حقوق شهروندی.
 - تشکیل و احیاء پلیس قضایی در راستای تحقق حقوق شهروندی به‌منظور هر چه تخصصی‌تر نمودن فرآیندهای کشف جرائم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب مجرمان و دادرسی در محاکم.
 - ایجاد بسترهای مناسب به‌منظور دسترسی آسان شهروندان به محاکم تخصصی و توسعه فناوری‌های نوین نظارت بر عملکرد ضابطان، توسعه ساختارهای دادرسی الکترونیک و پایش‌های قضایی.

سپاسگزاری

در پایان، بر خود واجب می‌دانیم که از زحمات تمام اساتید خود و کارکنان دستگاه عدالت کیفری به ویژه همکاران و نخبگان محترم دستگاه قضایی و پلیسی که در این پژوهش ما را یاری نمودند، تشکر و قدردانی نماییم.

منابع

۱. الهی منش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن. (۱۳۹۳). تبلور حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری. فصلنامه قضاوت، ۱۴(۸۰). ۵۸-۸۳.
http://www.ghazavat.org/article_33828.html
۲. النقی پور، رسول؛ علیزاده، اکبر. (۱۳۹۲). حقوق شهروندی اصحاب دعوای دعوی کیفری. انتشارات فانار. چاپ اول.
۳. احمدی طباطبایی، محمدرضا. (۱۳۸۸). حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه خط اول، رهیافت انقلاب اسلامی، ۳(۸). ۳-۱۸.
<http://www.rahyaftjournal.ir/>
۴. اژدری، ایوب؛ اسدی کشکولی، اسد؛ بیرجندی، فاطمه. (۱۳۹۸). بایدها و نبایدهای رفتار پلیس در حفظ و ارتقای حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران. ماهنامه آفاق علوم انسانی، (۲۷). ۱۹-۳۸.
<http://pazhouheshha.ir/List.aspx?volume=9040>
۵. اسکندری، مصطفی. (۱۳۸۹). ماهیت و اهمیت حریم خصوصی. فصلنامه حکومت اسلامی، ۱۵(۵۸). ۱۴۷-۱۷۳.
<http://www.rcipt.ir/index.aspx?siteid=1&fkeyid=&siteid=1&pageid=142&p=1&g=110&showitem=890>
۶. اسمعیل پور، حامد؛ شریعت باقری، محمدجواد. (۱۳۹۳). کاوش در مفهوم و جایگاه حق آزادی و امنیت شخصی. مجله حقوقی دادگستری، ۷۸(۸۶). ۷-۳۳.
http://www.jlj.ir/article_11315.html
۷. باری، مجتبی. (۱۳۹۸). حقوق جزای نظامی. دادستان. چاپ اول.
۸. تقی پور، سیروس. (۱۳۹۰). حقوق شهروندی و قوه قضاییه. ماهنامه دادرسی، ۱۵(۸۹). ۳۴-۳۸.
<http://www.imj.ir>

۹. جاوید، محمدجواد. (۱۳۹۲). نظریه نسبیّت در حقوق شهروندی و حقوق طبیعی بشر. مجله حقوق بشر، ۸(۲). ۵۹-۸۴
- http://humanrights.mofidu.ac.ir/article_33408.html
۱۰. جاوید، محمدجواد؛ صادقی، محمد؛ شفیع‌زاده خولنجانی، مصطفی. (۱۳۹۱). نسبت تکالیف طبیعی و تکالیف شهروندی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۷(۵۹). ۸۳-۱۱۶
- <http://jlvviews.ujsas.ac.ir/article-1-60-fa.html>
۱۱. حمیدی، فرهاد. (۱۳۹۵). بررسی تأثیرپذیری حقوق ایران از حقوق بشر بین‌الملل با تأکید بر حق آزادی و امنیت شخصی [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]، پردیس البرز دانشگاه تهران.
۱۲. خالقی، علی. (۱۳۹۷). تقریرات درس آیین دادرسی کیفری (کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران.
۱۳. زارع، بهروز؛ خداکرمی، نبی. (۱۳۹۸). بررسی حق دادخواهی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. پنجمین همایش ملی حقوق. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد میبد.
- <https://www.callforpapers.ir/17887>
۱۴. طباطبایی مومنی، منوچهر. (۱۳۹۰). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. عزیزی فرد، مهدی. (۱۳۹۶). مبانی حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران. دادگستر. چاپ اول.
۱۶. علی دوستی، ناصر. (۱۳۸۸). پلیس و آموزش حقوق شهروندی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۲(۴۴). ۴۷-۷۱.
- http://quarterly.risstudies.org/article_911.html
۱۷. غلامی، حسین. (۱۳۹۲). حقوق جزای نظامی-تطبیقی. نشر میزان. چاپ اول.
۱۸. کبریا، بهدین؛ حبیب‌زاده، اصحاب؛ دهقان، سیدمصطفی؛ بهروز، سروش. (۱۳۸۸). نقش ناجا در تحقق حقوق شهروندی. نشریه نظم و امنیت انتظامی، ۲(۲). ۱۵۷-۱۸۸.
- <http://www.osra.jrl.police.ir/>
۱۹. مقیمی، مهدی؛ کبریا، بهدین. (۱۳۹۳). پلیس و حقوق شهروندی. دانشگاه علوم انتظامی چاپ اول. تهران.

۲۰. لاریجانی، محمدجواد؛ غریب آبادی، کاظم. (۱۳۹۸). موازین حقوق بشری در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران. انتشارات دانشگاه علوم قضایی ایران. چاپ اول تهران.
۲۱. مؤذن‌زادگان، حسنعلی. (۱۳۹۶). تقریرات درس آیین دادرسی کیفری (کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی (ره). تهران.
۲۲. مهرآبادی، سیدمحراب؛ میرزایی، امین. (۱۴۰۰). مبدا و منشاء دادرسی عادلانه در نیروهای مسلح. مطالعات حقوق، ۱(۴۸). ۲۵۷-۲۸۳.
- www.sciencejournals.ir/publications.aspx?pid=12
۲۳. نایب‌پور، محمد؛ ویسیان، محمد؛ اصغری، آزاد؛ محمدی‌حمیدی، سمیه. (۱۳۹۳). نقش پلیس در احساس امنیت اجتماعی پایدار (مطالعه موردی: شهر دهککلان). پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی، ۲(۸). ۷۷-۹۶.
- http://pogra.jrl.police.ir/article_9664.html
۲۴. یزدانیان، محمدرضا. (۱۳۹۰). قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در نظم حقوقی کنونی. نشر میزان. چاپ دوم. تهران.

قوانین و مقررات

۲۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸). مجلس شورای اسلامی.
۲۶. قانون جرائم نیروهای مسلح. (۱۳۸۲). مجلس شورای اسلامی.
۲۷. قانون احزاب و فعالیت‌های سیاسی. (۱۳۶۰). مجلس شورای اسلامی.
۲۸. قانون دسترسی آزاد به اطلاعات. (۱۳۸۷). مجلس شورای اسلامی.
۲۹. قانون نظام صنفی. (۱۳۸۲). مجلس شورای اسلامی.
۳۰. قانون آیین دادرسی کیفری. (۱۳۹۲). مجلس شورای اسلامی.
۳۱. قانون احترام به حقوق شهروندی و حفظ آزادی‌های مشروع. (۱۳۸۲). مجلس شورای اسلامی.
۳۲. منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۵). معاونت حقوقی ریاست جمهوری اسلامی ایران.
۳۳. سند تحول قضایی. (۱۳۹۹). قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی